

## جایزه ۲۰ سال کتاب

در سال ۷۷ به بهترین داستان‌نویسان جایزه بیست سال داستان‌نویسی را دادند. بعضی از کسانی که جان سالم به در برده بودند و یا زنده مانده بودند و یا آزاد شده بودند و یا به خارج نرفته بودند، بعضی از این جوایز را گرفتند.

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## فصل ۳

### قتلهای محفلی

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## و در ابتدا، کار صهیونیستها بود

در پاییز سال ۷۷ گروهی نامعلوم - که بعداً معلوم شد جایی را دور زده‌اند - رفتند به خانه داریوش فروهر. آنان بدون اینکه هیچ قصد بدی داشته باشند فروهر و همسرش را کشتند. بعد هم از خانه بیرون آمدند و اعلام کردند این قتل یک تسویه حساب درون گروهی بوده و دیگران را به این نتیجه رساندند که کار صهیونیست‌هاست. بعد از مدتی که از کشتن این دو نفر خوششان آمده بود رفتند و کاری کردند که محمد مختاری شاعر برای خرید از خانه‌اش خارج شود و دیگر به خانه باز نگردد. نویسندگان و شاعران برای مدتی تصمیم گرفتند که دیگر به خرید نروند، بنابراین رفتند به دیدن همدیگر. در یکی از همین دیدارها بود که محمد جعفر پوینده که فکر می‌کرد فقط نویسندگانی که برای خرید از خانه خارج می‌شوند، دستگیر شده و کشته می‌شوند، به قتل رسید. اینطور بود که نویسندگان تصمیم گرفتند دیگر از خانه خارج نشوند، قاتلان تصمیم گرفتند داخل خانه، آنها بروند. برای همین تصمیم گرفتند یک دور دیگر هم دور وزارتخانه بزنند که در همین حال دستگیر شدند.

گمشده



اینجانب جامعه مدنی  
مدنی است برای خرید  
از خانه خارج و مفقود  
شده ام.

از یابندگان احتمالی  
خواهشمند است ضمن  
تحويل بنده به پزشکی  
قانونی، به ندراتی خانواده ام  
پایان دهند!

کا، کا، انگلیسی ہا است!!

۱۹۴۷



دانی جان  
فیلٹون →

کا، کا، اسرائیلی ہا است!!

امروز

## کار، کار کیست؟

فرض کنید که:

- ۱ - چهار نفر آدم در کشور کشته شده باشند.
- ۲ - تعدادی آدم سر و مرو گنده چند سال این چهار نفر آدم را به قتل و مرگ تهدید کرده باشند.
- ۳ - همین تعداد آدم سال‌ها علیه مقتولان مقاله نوشته باشند.
- ۴ - در مملکتی که در عرض دو روز تمام اسناد و مدارک جاسوسی یک جاسوس پیدا می‌شود و تروریست در عرض ۴۸ ساعت پیدا می‌شود تا مدت‌ها هیچ ردپایی از قاتل چهار تا آدم پیدا نشود.
- ۵ - تمام شهر بدانند چه کسانی قرار است کشته شوند.

### با فرضیات فوق چگونه می‌شود فهمید کار، کار کیست؟

- ۱ - اول اعلام می‌کنیم کار، کار انگلیس‌هاست.
  - ۲ - اگر مسئله حل نشد اعلام می‌کنیم کار، کار آمریکایی‌هاست.
  - ۳ - اگر کسی قبول نکرد اعلام می‌کنیم کار، کار اسرائیلی‌هاست.
- توضیح: درست همزمان با وقوع قتل‌های زنجیره‌ای محسن رضایی اعلام کرد هر اتفاقی که در این مملکت می‌افتد، از جمله قتل‌های زنجیره‌ای کار صهیونیست‌هاست.
- هیچکس حرف او را باور نکرد، از جمله نیک آهنگ کوثر.

پس از مدتی مسئولان پرونده همین موضوع را اعلام کردند اما باز هم کسی این موضوع را باور نکرد. بعداً اعلام شد که مسئول اصلی قتل‌ها آقای بی به نام سعید امامی بوده است که پس از محرز شدن این موضوع با واجبی خودکشی کرده است. با طرح این مسئله معلوم شد کار کار صهیونیست‌هاست.

توضیح ۲: اساساً در کشور ما کار، کار یک نفر دیگر یا یک جای دیگر است. و طبیعی است که بهترین آدم برای این کار یک نفر صهیونیست یا یک کشور مثل اسرائیل باشد.

## خارجی‌ها، خوارج و خارجیان

در مورد قاتلان روشنفکران - منظور همان قتل‌های اخیر است - دو گروه مشکوک به قتل بودند:

۱ - خارجی‌ها

۲ - خوارج

گروهی که از قتل‌ها خوششان آمده بود و دلشان می‌خواست ادامه پیدا کند معتقد بودند این قتل‌ها کار خارجی‌هاست. اما گروهی که کشته می‌شدند معتقد بودند خوارج آنان را کشته‌اند.

نویسندگان، ادبا و ویراستاران بحث مهمی را در این باره مطرح کردند، اینکه بهتر است «خارجی» به «خوارج» جمع شود یا به «خارجی‌ها». بعدها گروهی پیدا شدند که فکر می‌کردند «خارجیان»، هم جمع بهتری از «خارجی» است و هم موضوع بهتری برای منحرف کردن موضع قتل‌ها.





منظورش خوار صبا؟

کاره ست!  
کار خاجی ها!

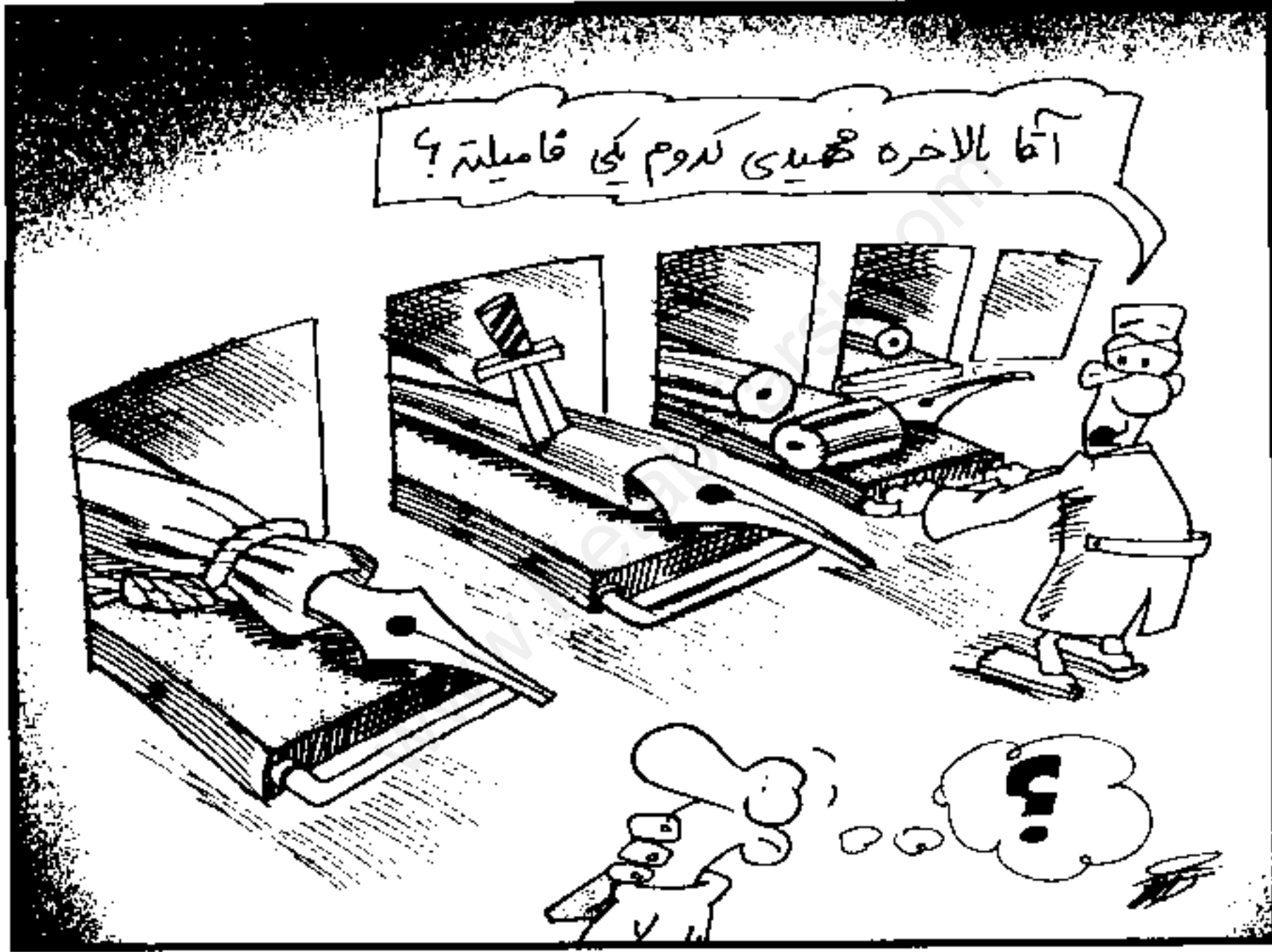
www.ketabFarsi.com

## مقتولین محاکمه می‌شوند

یکی از اشکالات اساسی مقتولان مسئله‌دار در این مملکت این بود که آنان را فقط یک بار می‌شد کُشت. این امر بسیاری از دوستداران قتل را آزار می‌داد. آنان می‌گفتند: این عادلانه نیست که یک مشت ضد انقلاب که این همه می‌نویسند، فقط یک بار کشته شوند.

مشکل دیگری که بطور خاص به قتل‌های آذرماه ۷۷ باز می‌گشت این نکته بود که بهتر است علاوه بر مقتولان تعدادی قاتل احتمالی را هم کُشت. آنان فکر می‌کردند حالا که ما دستمان برای کشتن طرفداران جامعه مدنی گرم شده و راه افتاده، چه بهتر که بقیه آنان را هم به عنوان قاتل مقتولان بکشیم. بنابراین اولین تئوری قاتلان اصلی این بود که می‌گفتند نوعی وحدت نظری میان مقتولان و قاتلان وجود دارد، به عبارت دیگر قاتلان به همان چیزهای اعتقاد دارند که مقتولان.





## فرق پزشکی قانونی و پزشکی غیرقانونی چیست؟

- ۱ - در پزشکی غیرقانونی، به شما آمپول هوا می‌زنند و شما را می‌کشند، بعداً جسد شما به پزشکی قانونی می‌رود و در آنجا معلوم می‌شود شما به دلیل ورم لوزالمعده مرده‌اید.
- ۲ - در پزشکی غیرقانونی شما را با چاقو تشریح می‌کنند و می‌میرید، بعداً جسد شما به پزشکی قانونی منتقل می‌شود و معلوم می‌شود فامیل‌تان که شیرینی آورده بود، شما را کشته است.
- ۳ - در پزشکی غیرقانونی شما را با طناب خفه می‌کنند و جسدتان را در خیابان می‌اندازند، بعداً در پزشکی قانونی معلوم می‌شود شما داشتید تنهایی فوتبال بازی می‌کردید که سگته کردید.
- ۴ - در پزشکی غیرقانونی شما را سوار ماشین می‌کنند و به جایی می‌برند و روی زمین می‌خوابانند و بوسیله چند نفر اورتوپد گردن شما را می‌شکنند، بعداً در پزشکی قانونی معلوم می‌شود شما در اثر خوردن ساندویچ کالباس مسموم شده‌اید.

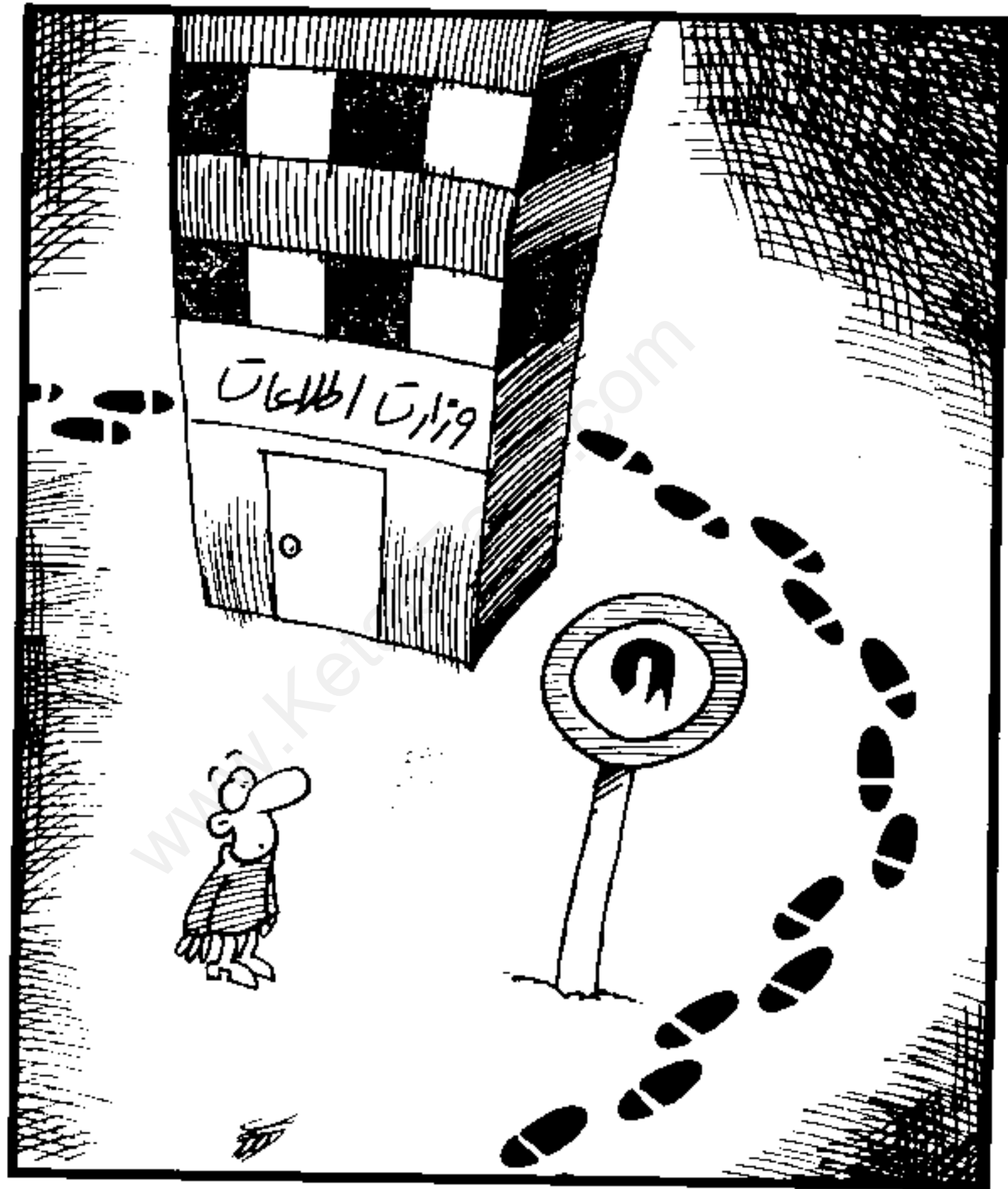
□□□

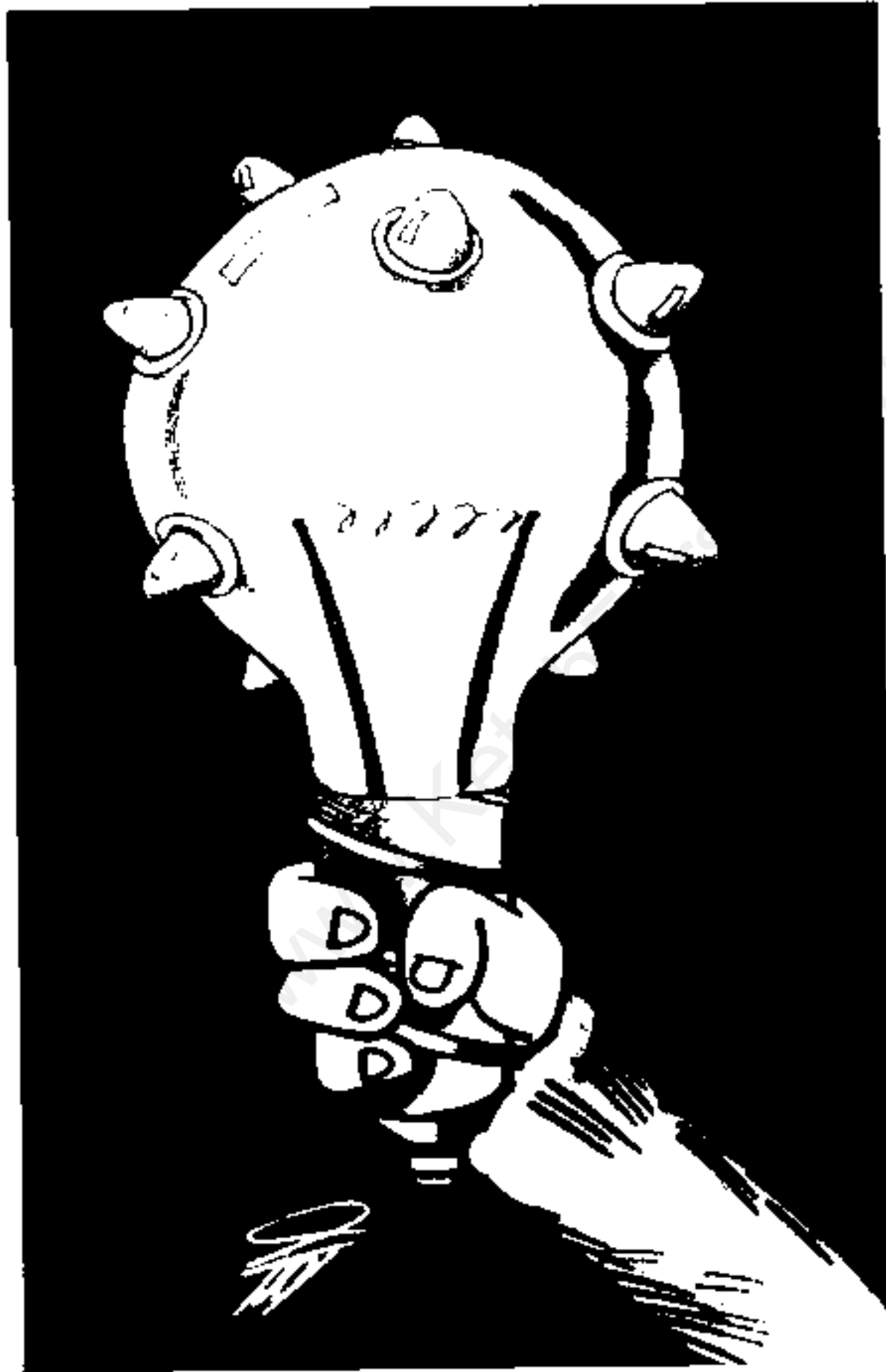
مدتی پس از گم‌شدن مختاری و پوینده جسد آنان در پزشکی قانونی شناسایی شد.

## قاتلین دور می زدند

در بحبوحه بحث بر سر اینکه بالاخره صهیونیست‌ها عامل قتل بودند یا آمریکایی‌ها، اطلاعاتی منتشر شد که طی آن معلوم شد متأسفانه برخی عوامل خودسر وزارت اطلاعات را دور زده بودند و مقتولان را به قتل رسانده بودند. ضمناً معلوم شد که چون چند قتل اتفاق افتاده بود، چند بار وزارتخانه را دور زده بودند. این سؤال در همین موقع - اواخر پاییز سال ۷۷ - مطرح شد که چرا قاتلان وزارت اطلاعات را دور زدند. چند جواب داده شد.

- ۱ - برای اینکه امکان دورزدن سایر وزارتخانه‌ها وجود نداشت.
- ۲ - چون قبلاً راست راست می‌رفتند و می‌آمدند و سپس راست رفتن ممنوع شده بود.
- ۳ - چون کار از دور زدن عیب نمی‌کرد.
- ۴ - چون گردش به چپ و راست ممنوع بود.







## چراغ!

در سال ۷۷ برنامه‌ای به نام «چراغ» پخش شد. در آن برنامه یکی از مسئولان اعلام کرد که عاملان قتل‌های اخیر طرفداران رئیس‌جمهور هستند. پس از این، مردم به کتاب‌های مختلف مراجعه کردند و ضرب‌المثل‌هایی درباره چراغ را به یاد آوردند.

۱ - چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا

یا ... چو دزدی با چماق آید، گزیده‌تر برد کالا

۲ - دی شیخ گرد شهر همی گشت با چراغ (چماق)

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

(احتمالاً فرد مذکور چراغ به دست به دنبال مقتولی می‌گشت)

۳ - چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.

(فقط در صدا و سیما می‌توان این حرف‌ها را زد.)

## حرف زدن و کار کردن

مستولان بر چند دسته‌اند:

- ۱ - کسانی که کار خوب می‌کنند، بعد تحت فشار قرار می‌گیرند، بعد از کار خوبشان بد دفاع می‌کنند.
- ۲ - کسانی که کار بد می‌کنند، بعد مورد حمایت قرار می‌گیرند و هرگز حرف نمی‌زنند.
- ۳ - کسانی که کار خوب می‌کنند، بعد مورد سکوت قرار می‌گیرند، بعد در مورد خودشان تبلیغات می‌کنند.
- ۴ - کسانی که کار بد می‌کنند، بعد حرف می‌زنند.
- ۵ - کسانی که کار نمی‌کنند و حرف می‌زنند.

اگه یار بگیري مثل من حرفاتو بر گردونی  
اقتیاجی به معذرت خواهی نیست!؟



چراغ تولید می کنی؟!

پنهان تنبلیت بکنم! دو هفته مجبوری  
به جای برنامه های ماهواره ،  
تولیدات خودتو تماشا کنی!؟



## تنبيه

پس از پخش برنامه چراغ قرار شد مسئولان پخش برنامه به شدت تنبيه شوند. بنابراین به کارشان ادامه دادند. لاریجانی هم رسماً گفت ببخشید و رسماً سیاست‌هایش را ادامه داد.



## فصل ۴

### لاریجانی ها

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## فرق جواد و علی لاریجانی چیست؟

- ۱ - بعضی از حرف‌های جواد لاریجانی به نظر درست می‌آید.
- ۲ - جواد لاریجانی بعداً حرف‌هایش را تکذیب می‌کند.
- ۳ - بعضی اوقات از جواد لاریجانی انتقاد نمی‌شود.
- ۴ - مردم صدای جواد لاریجانی را می‌شناسند و تصویر علی لاریجانی را.
- ۵ - علی لاریجانی ربطی به نیک براون ندارد.



ما دو تا دد اشیم؛  
مثل مداد تراشیم؛  
هر جا میریم (... )!

بزرگواران  
بزرگواران



تیم دانی جان ناپلئون

0

تیم نیک براون

1



مش قاصم



«حاشیه اعلام آمادگی انجمنی ها برای سرمایه گذاری در  
ایران»

## انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها

تا سال ۷۷ همه فکر می‌کردند «کار، کار انگلیسی‌هاست» در این سال معلوم شد «کار، کار صهیونیست‌هاست». بعد از اینکه معلوم شد کار کار صهیونیست‌هاست انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند پای انگلیسی‌ها را به اقتصاد باز کنند، لذا انگلیسی‌ها به آنها خوش‌آمد گفتند و انگلیسی‌ها از آنها تشکر کردند.



... و بالاخره هیأت انگلیسی آمد

و موج افکار خصوصی علیه سیاست‌های آمریکای غارتگر و جهانخوار بالاتر گرفت.

www.KetabFarsi.com

## خاک بر سر این وکیل

فکر می‌کنید چرا جواد لاریجانی گفت: «خاک بر سر این وکیل»؟

۱ - بخاطر اینکه وکلای مجلس را نمی‌شناخت؟

۲ - بخاطر اینکه وکلای مجلس را می‌شناخت؟

۳ - بخاطر اینکه دلش خواست؟

۴ - بخاطر اینکه خیلی آدم بامزه‌ایست؟